



سینمای عامه‌پسند، قابل حذف نیست

رضا مقصودی، فیلمنامه‌نویس و کارگردان:فیلم‌های عامه‌پسند، همیشه وجود خواهند داشت. اینگونه فیلم‌ها در تمام دنیا تولید می‌شوند و به هیچ‌وجه نباید آنها را از بازار سینما حذف کرد. این فیلم‌ها، به‌خصوص فیلم‌های تجاری، هدفشان صرفاً سرگرم کردن و کسب سود است./ سینماپارس

نگاه

سعید مروتی؛ روزنامه‌نگار

تنها بازمانده نسل طلایی

نام علی نصیریان معمولاً همراه و مترادف با هم‌نسلانش به یاد آورده می‌شود؛ همان‌ش تن معروف؛ عزت‌الله انتظامی، جمشید مشایخی، داوود رشیدی، محمدعلی کشاورز و علی نصیریان. به این فهرست می‌شد نام‌های دیگری هم اضافه کرد (مثل جعفر والی) اما در بحث تداوم و استمرار طولانی در فعالیت هنری همراه با خاستگاه مشترک، ظاهراباید همین‌شان را به‌عنوان شمال‌های نسلی طلایی و تکرار نشدنی بپذیریم؛ نسلی که دربارشان زیاد نوشته و گفته شده. نصیریان تنها بازمانده آن نسل طلایی است؛ نسلی که احترام و جایگاه این حرفه را تا حد زیادی وامدار خود کرده‌است.

نکته جالب‌توجه اینکه آنها از یک جا (صحنه تئاتر) و تقریباً هم‌زمان (دهه ۳۰) کارشان را شروع کردند. باهم در تله‌تئاترهای تلویزیون ثابت پاسال حضور یافتند و تقریباً باهم (از اواخر دهه ۶۰) وارد سینما شدند و از یک مقطع (دهه ۶۰) در سینما و تلویزیون حضور پر تعدادتری را تجربه کردند.

از دهه ۴۰ که زمزمه تئاتر ملی جدی شد نصیریان از پیشگامان اجرای صحنه‌ای متن‌های ایرانی بود؛ متن‌هایی که الزاماً با سنت نمایش‌های روحضی نوشته و اجرا نمی‌شدند، مشخصاً عامه‌پسند نبودند، ولی از سنت‌های ایرانی بهره می‌گرفتند و مردم‌هم از آنها استقبال می‌کردند. پخش تلویزیونی این نمایش‌ها هم به دیدمشناس کمک می‌کرد. در شکل‌گیری آنچه تئاتر ملی خوانده شده، آثاری که نصیریان نوشته، بازی و کارگردانی کرده، سهم قابل‌ملاحظه‌ای داشته‌هایی چون «سیاه»، «گوهر شنب‌چراغ» و «هالو» ذوق و قریحه نصیریان و تسلطش بر فرهنگ عامه و تصویرش از تئاتر به‌عنوان هنری مدرن را نمایان می‌کرد. در دهه ۴۰ که بعدها دهه طلایی تئاتر ایران خوانده‌شد و در روزگاری که نبض نمایش در تالار سنگلج می‌تپید و روزگار جذب طبقه متوسط به تئاتر، نصیریان کنار دوستانش (انتظامی، رشیدی، کشاورز، مشایخی، والی و جوانمرد) نقش کلیدی داشت. در طول یک‌دهه‌او و ورق‌های تئاتری‌اش معتبرترین نام‌ها در عرصه نمایش شده بودند.

در دهه ۴۰، دهه شکل‌گیری و تثبیت سینمای عامه‌پسند ایران، هنرمندان تئاتر از حضور در فیلم‌های ایرانی پر هیز می‌کردند. فضا، حال و هوا و مناسبات سینمای فارسی خیلی با روحیه تئاتری‌ها همخوانی نداشت؛ ضمن اینکه این هنرمندان به‌عنوان کارمند اداره تئاتر برای حضور در سینما با معذوریت قانونی هم مواجه بودند. جکی دو تجربه در سینمای منفرد و فاقد تداوم و بی‌ارتباط با سینمای جریان اصلی که توسط روشنفکری چون فرخ‌نگاری (شب وزی) و ابراهیم گلستان (خشت و آیینه) ساخته شدند، چهره‌های برجسته تئاتر، مقابل دوربین سینما رفتند. نصیریان این حضور محدود را هم تجربه نکرد تا اینکه نمایش «گاو» نوشته غلامحسین ساعدی به کارگردانی جعفر والی روی صحنه رفت، نمایشی که اغلب نامداران تئاتر سنگلج را در حضور داشتند؛ عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان، جمشید مشایخی، پرویز فتحی زاده و...

وقتی مهرجویی تصمیم گرفت براساس این نمایش، فیلم «گاو» را کارگردانی کند، نیمت بازیگران هم همین اجرای صحنه‌ای موفق بیرون آمدند. تهیه‌کننده وزارت فرهنگ و هنر بود و معذوریت معمول هم از دوش تئاتری‌ها بر داشته‌شد و جنس کار هم نه فیلم‌ها، بلکه تجربه‌ای متفاوت و سینمایی بر اساس متن امتحان پس داده دکتر ساعدی بود. مهرجویی در فیلم «گاو»، عزت‌الله انتظامی را در کانون ماجراجار داده بود و بقیه کاراکتر ه‌سا، حول محور کاراکتر محوری مش‌حسن قرار داشتند. میثاشان اما مش‌اسلام با بازی نصیریان، تالگو و اهمیت بیشتری داشت. مش‌اسلام به‌عنوان مغز متفکر روستا مورد مراجعه‌الاهی بود.

اگر فیلم گاو مجال درخشش انتظامی را فراهم کرد در «آقای هالو» فیلم متعلق به نصیریان بود. روستایی به شهر آمده، با سادگی و صفایی که باعث گرفتاری‌اش می‌شود با اجرای درخشان نصیریان در یادها ماند و شهرت و محبوبیتی را به همراه آورد که با پیشنهادهایی از سینمای فارسی همراه شد، نصیریان تن به هیچ‌کدام از این پیشنهادها نداد و بازیگر اصلی «پستیچی» فیلم بعدی مهرجویی شد. تفاوت میان هالو و تقی پستیچی که از تمایز میان کمدی اجتماعی و سراسرت تا فیلم روشنفکرانه و نمادین می‌آید، یکی از هنرهای نصیریان را نمایان کرد؛ هنر اعطاف در ایفای نقش که در «دایره مینا» فیلم بعدی مهرجویی نمود بیشتری داشت. نصیریان مثل انتظامی، بازیگر سینمای روشنفکری قبل از انقلاب بود.

میان ۱۴ فیلمی که نصیریان در دهه ۶۰ بازی کرد (دقیقا

دو برابر فیلم‌هایش در قبل از انقلاب) ۲ نقش آفرینی حکم

نگین جواهرنشان کارنامه این بازیگر در این دوران را داشت؛

آتش آفرینی برای ۱۴فیلم‌ساز از آنسل متفاوت؛ مسعود

جعفری جوانی در «شیر سنگی» و ناصر تقوایی در «ناخدا خورشید».

آتش از تفاوت‌هایی اساسی با یکدیگر که عیار بالای سکه بازیگری

نصیریان را بار دیگر مؤدک می‌کرد؛ علی‌ریا «شیر سنگی» که مرگ

تراژیکش بر ابعاد حماسی این وسترن ایرانی می‌افزود با سکاس به‌یاد

ماندنی علی‌ریا و نامدار خان (عزت‌الله انتظامی) که شاهکار بازیگری

دهه ۶۰ بود و مستر فرهان در «ناخدا خورشید» که ترسیم دقیق

کاراکتری جذاب و همراه با سایه روشش بود. از دهه ۶۰ نصیریان بیشتر

با ابوالفتح صراف، شافقی‌نقشی که علی حاتمی برایش در «هزار دستان»

تداک دیده‌بود در یادها ماند.

از دهه ۷۰ نصیریان در سینما کم کار شد. میان فیلم‌های این

دوره‌اش «بوی پیراهن یوسف» حاتمی‌کیا با فاصله، بهترین

اثرش است. در نقش دایی غفور، نصیریان بار دیگر هنر انطباق و اعطاف

با لاییش را به نمایش گذاشت. در ابتدای دهه ۸۰ در فیلم غریب

«دیوانه‌ای از قفس پرید» پس از سال‌ها با دوست قدیمی‌اش عزت‌الله

انتظامی همبازی شد و گوشتی‌دا کاراکتری که مثل بقیه شخصیت‌های

فیلم دچار ابهام بود، تصویری باورپذیر بسازد. از همین دوره نصیریان

به تئاتر بازمی‌گردد و با «هنرچرها» (فرهاد آئیش) خاطرات گذشته را

زنده می‌کند. نصیریان در سال‌های بعد همچنان فوق العاده‌است.

بازی‌اش در «همیشه ممنوعه» (حسن فتحی) پیروزی شکوهمندی

است از تجسم عشق ویرانگر. در «شهرزاد» (حسن فتحی) از آزمون

بهرم‌آرب دشوار تر سرنبل بیرون می‌آید و سینمایی درخشان از

پدرخوانده‌ای ایرانی خلق می‌کند. نصیریان همچنان در اوج قدرت و

توانایی، قابلیت این را دارد که تماشاگر را غافلگیر کند. حضورش در

فیلم هدرفته «سخره باز» از معدود نقاط روشن فیلم بود و بازی‌اش

در نقشی متفاوت با پرسونای تثبیت‌ده‌اش در فیلم «خورشید»

غبطه‌برانگیز است؛ هنر مند بی مثالی که به لحاظ تنوع نقش با

هیچ‌کدام از بازیگران هم‌نسلش قابل‌مقایسه نیست؛ بازیگری که

در این سال‌های طولانی میراثی گهریار بر ایمان به یادگار گذاشته و

به شکلی منحصر به‌فرد همچنان برگی‌های تازه برای رو کردن دارد.

حضورش مستدام.



فیلم «عروس» سینمای مطلوب بهشتی نبود

بهروز افعمی، کارگردان: سیدمحمد بهشتی، «عروس» را سینمای مطلوب خود نمی‌دانست، درحالی‌که سیدمرتضی آن را نمونه‌ای از سینمای بینابینی می‌پنداشت. این سینما، میان سینمای انقلابی و سینمای قبل از انقلاب، عاصری از هر دورا در خود جای داده بود و تلاش می‌کرد تا تعادلی میان این دو گرایش ایجاد کند./مهر

کسی که بیشترین

حمایت را از من کرد، همسر

بود. او درک کرد که من چه

وابستگی‌ای به کار دارم.

صدالبته در کار هنر ارتباط

هنرمند با هموطنانش

مهم است



دوری از ایران را تحمل نکردم

علی نصیریان با حضور در برنامه «در جه یک» تلویزیون همشهری از حضورش در تئاتر و سینما گفت

گروه ۲۴: علی نصیریان هم‌نام برنامه در جه یک با اجرای مژده لواسانی بود؛ بازیگری

که در گفت‌وگوی زنده از آغاز فعالیتش در تئاتر سخن گفت. او همچنین از حضورش در تئاتر لاله‌زار و سینما صحبت کرد و اینکه در سال ۱۳۲۹در نخستین کلاس‌های تئاتر حضور یافته‌است. بخش‌هایی از این گفت‌وگو را می‌خوانیم.

مهرجویی بسیار یاد گرفت.

از هم‌کاری خودتان با ناصر تقوایی

بگویند و اینکه با کدام کارگردان دوست داشتید

کار کنید، اما نشد؟

ناصر تقوایی یکی از منحصربه‌فردترین کارگردانان

ایران است. «ناخدا خورشید» یکی از بهترین فیلم‌های

سینمایی دوران ماست. ما در بندری در کنار بندر

لنگه به نام بندر «کنگ» فیلمبرداری کار را انجام

دادیم. آنجا به لحاظ لوکیشن هم فوق‌العاده بود.

تقوایی به گمانم بهترین کارگردان ایرانی است. تقوایی

سناریو را به من داد که بخوانم و گفت آتش پیشنهاد

می‌دهم یا ناخدا خورشید یا مستر فرهان که خودش

هم پیشنهاد بازی در نقش مستر فرهان را داد و من

پذیرفتم. البته همواره دوست داشتم با بهرام بیضی

هم کاری مشترک انجام دهم و به کارگردانی او در

فیلمی سینمایی بازی کنم که این موضوع متأسفانه

هیچ‌گاه رخ نداد؛ البته تمعد و قصدی در این

کار نبود. با بیضی البته سال‌های دور

تئاتری کار کردم که هیچ‌گاه اجرا

نشد. داریوش مهرجویی سر

موضوعی که تعریفش مفصل

است، از ۴۰ سال پیش سر

فیلم «آجار دشنین‌ها» با من

قهر کرد. رضا درمیشیان

گفته بود که می‌خواهد مرا

به بازی بگیرد و ماجرایش برای

شرح دادن طولانی شد. متأسفم

از بین رفت. او هم استعدادی درخشان

بود که همواره می‌توانست در هر شرایط و

سنی در کارش پیشرفت کند.

مردم شما را دوست دارند و پیشنهاد شد

که خیابانی هم به نام شما شود.

از ابتدا مخالف نامگذاری خیابانی به نام خودم بودم.

معتقدم که اگر کار درستی انجام دهم، یاداشش را از

خود مردم خواهم گرفت و این بزرگ‌ترین هدیه برای

من است. مردم تشخیص می‌دهند و کار هنری من هم

صادقانه است؛ به همین دلیل است که از سال‌ها پیش

تلاش کردم و می‌کنم که بهترین نوع اجرای نمایشی و

سینمایی را به مردم ارائه دهم. من کارم را همانطور که

ابتدا گفتم با سیاه‌بازی و نمایش شروع کردم. گاهی

وقته‌ها که خریدی در سطح شهر دارم یا می‌خواهم

به جای بروم، مردم عنوان می‌کنند که کاری از

۴۰ سال پیش من دیداند و چنان آن را

تعریف می‌کنند که تعجب می‌کنم و می‌اندیشم

که آن کار چه باورپذیری‌ای در ذهن مخاطبان

داشته و مردم ما چه مر دم عجیبی هستند!

همینطور است که بعضی نمایش‌ها فوق‌العاده

اثر گذارند. البته سر یال هم به‌دلیل طولانی‌تر

بودنش، تأثیر بلندمدت و بیشتری بر ذهن

مردم می‌گذارد.

از زندگی شخصی خودتان بگویند؛ از

همسر تان و اینکه چقدر با شما در مسیر زندگی

کاری همراه بودند.

کسی که بیشترین حمایت را از من کرد، همسر

بود. او درک کرد که من چه وابستگی‌ای به کار دارم.

صدالبته در کار هنر ارتباط هنرمند با هموطنانش مهم

است. خوب به‌خاطر دارم که فستیوال بزرگی در آتن

اجرامی شد که برای شرکت در آن در همان مقطع زمانی

پول زیادی می‌خواستم. همسرم گفت که برای این کار

می‌توانیم فرشی را که جعبه‌ی من است، بفروشیم. قرار

بود از استانبول با قطار بروم و غیر از کمک هزینه، پولی

نداشتم. همسرم به همین دلیل این پیشنهاد را به من

داد. فرش زیر پامان، فرش کاشان و دستباف بود و به

قیمت بالای هم آن را می‌خریدند؛ به همین دلیل است

که پس از فوتش ۳ روز آشک چشمم خشک نشد. حتی



سومین همکاری مشترک با مهرجویی «پستیچی»

درباره نقش‌هایی که

می‌پذیرفتم، لازم است

بگویم هر متنی که به‌عنوان

اثر هنری و سناریو به شما

می‌دهند ۲ جنبه دارد؛ یکی

فرم و دیگری تم. تم مربوط

به آن موضوعی می‌شود

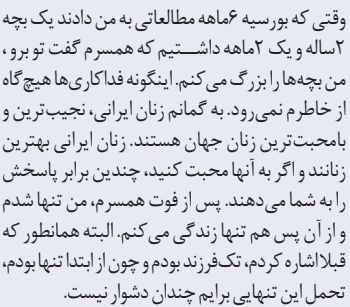
که باید در خور حرف زدن

باشد و فرم هم باید از لحاظ

نوع اجرا تازگی داشته باشد

و اجرای تازه از آن تم را به

نمایش بگذارد



وقتی که بورسیه ع‌ل‌همه مطالعاتی به من دادند یک پچه

۲ساله و یک ماهه داشتیم که همسرم گفت تو برو،

من چه‌جا را بزرگ می‌کنم. اینگونه فداکاری‌ها هیچ‌گاه

از خاطرم نمی‌رود. به گمانم زنان ایرانی، نجیب‌ترین و

بامحبت‌ترین زنان جهان هستند. زنان ایرانی بهترین

زنانند و اگر به آنها محبت کنید، چندین برابر پاسخش

را به شما می‌دهند. پس از فوت همسرم، من تنها شدم

«سنگی» و یک اثر دیگر کار

قبلاً اشاره آنگونه که باید و شاید دیده‌نشد، ولی

تحمل این تنهایی برایم چندان دشوار نیست.

آخرین فیلمی که بازی کردید

«هفت بهار نارنج» بود. از حضورتان در این

فیلم بگویند.

یکی از آخرین کارهایم «هفت بهار نارنج» نخستین

کار فرهاد کل سفیدی است. کم‌آلی پور، تهیه‌کننده،

نخستین جرقه این اثر را در زمان فوت همسرم زد؛ در

ضمن همین جای‌باید بگویم که قصه این فیلم را دوست

داشتم. فرهاد توانست خوب این مسیر را برود و ادامه

دهد. محل کار و لوکیشن هم منحصربه‌فرد بود. کار

آئیش، دیگران و هومن حاجی‌عبداللهی هم خوب بود،

اما افسوس آنگونه که باید و شاید دیده‌نشد، ولی

محتوای خوبی دارد که می‌تواند به متن زندگی مردم

کمک کند.

شما به همراه عزت‌الله انتظامی، داوود

رشیدی، محمدعلی کشاورز و جمشید مشایخی

ه‌سز برگ بازیگری سینمای ایران هستسید، از

همکاری‌تان با آنها بگویند.

من و جمشید مشایخی، داوود رشیدی، عزت‌الله انتظامی

و محمدعلی کشاورز با هم انس و الفت ویژه‌ای داشتیم.

خدا رحمتشان کند. خیلی خوب با هم کنار می‌آمدم.

اتفاقات شیرین بسیاری هم بین ما رخ داد. آنها آن

احساس و الهام را در کار حرفه‌ای‌شان درک می‌کردند

و طبیعی و با خلاقیت کار را انجام می‌دادند، اما در عین

حال وداع با آنها مرا اتکان داد.

از میان بازیگران ایرانی کدام

بازیگران جوان را در این عرصه موفق می‌دانید؟

میان هنرپیشه‌های ایرانی، بازیگران متعددی داریم

که کارشان حرف ندارد. پرویز پرستویی بی‌مانند

است. میان جوان‌ها، نوید محمدزاده، پیمان معادی

و شهاب حسینی بی‌نظیرند. نوید محمدزاده در ۳۰۰ به

خوبی نقش فر دوسی را بازی کرد که حظ بردم. شهاب

حسینی هم استعداد خوبی دارد و هنر پیشه خوبی

است. اپیزود اول شهرزاد را او کامل کرد؛ به‌قدری

استایل خوبی دارد که همین سرال تا ۴ فصل ادامه

یافت؛ البته فراموش نکنیم که خاتم‌نعمه ثمنینی هم یکی

از بهترین نویسندگان سینماست.

آیا دوست دارید با هم بازی کنید؟

حقیقت این‌ست است که به لحاظ روحی و روانی

بازی کردن را دوست دارم، اما دیگر جسم‌یاری نمی‌کنی

بازی کردن از من انرژی می‌برد و با تمام توان باید نقش

بیافرینم، اما مثلاً در فیلمی که این‌اواخر کار کرده، نقشم

طوری بود که روبه دوربین نشسته بودم و انرژی کمتری از

من صرف شد. دیگر طاقتم اجازه نمی‌دهد و نیرویی که باید

داشته باشم برای بیان مطلب و بازی کردن انرژی می‌برد و

من دیگر توان بازی را به لحاظ جسمی ندارم.



صف‌خدا را، به‌روز فلی‌پور

سینمای مستند

بازخوردهای مثبت از عرضه فیلم مستند در شبکه نمایش خانگی



مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی گفت: از دوستاناران و فعالان سینمای مستند بازخوردهای مثبت فراوانی درباره عرضه آنلاین فیلم‌ها داشته‌ایم و در فاز دوم، مستندهای متقاضی و علاقه‌مند را وارد چرخه نمایش خواهیم کرد. محمد حمیدی مقدم که با برنامۀ «سینما زاویه» گفت‌وگو می‌کرد، همچنین گفت: در فاز اول مهم این است که می‌خواهیم در گاه را در سبد انتخاب نشانه کنیم؛ به این معنی که مخاطب در این سبد متکثر بتواند کالای فرهنگی خود را انتخاب کند. هدف‌گذاری ابتدایی ما این بود که سینمای مستند به چه صورت وارد این دنیای رنگارنگ فیلم‌های هالیوودی، سریال‌های داخلی و ... شود.

فاز اول را با این ۲۳۰ فیلم شروع کردیم، مستندها یا کامل و یا ۸۰ درصد برای مرکز بودند. در فاز بعدی فیلم‌های دیگر را عرضه خواهیم کرد. در وضعیت نهایی مرکز گسترش به‌عنوان کاتالیزور یا انتقال دهنده، مستندهایی را که به ما رجوع می‌کنند و دوست دارند در نمایش خانگی به نمایش دربیانند وارد این چرخه می‌کند.

تئاتر